

## بصیرت دانش‌آموزی و تفکر تکفیری

یکی از وظایف ما معلمان، به خصوص معلمان دینی و قرآن، توجه داشتن به مقتضیات زمان و حوادث و رخداد‌های جاری در پیرامون ماست.

این رخدادها معمولاً نسبتی با دین پیدا می‌کنند و تأثیری مثبت یا منفی بر دین‌داری مردم می‌گذارند و در نتیجه مسائل جدیدی فراروی محققان قرار می‌دهند. حال اگر این حوادث و رخدادها صبغه دینی داشته باشند و تحت عنوان دین و دین‌داری پدید آیند، صد البته جامعه دینی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند و مسائل و چالش‌های جدیدی ایجاد می‌کنند. در این میان، نوع و ابعاد چنین رخدادهایی تعیین می‌کند که کدام یک از اقشار جامعه مخاطب آن‌هاست و باید برای آن‌ها چاره اندیشی کرد. یکی از رخداد‌های مسئله‌ساز و چالش‌زای دهه‌های اخیر، پیدا شدن انقلابی‌های بدلی و گروه‌های تکفیری تحت عناوینی چون سپاه صحابه، القاعده، طالبان و داعش است. پیدایش این جریان‌ها، مشکلات و چالش‌های عدیده‌ای برای مسلمانان ایجاد کرده و اقشار

مختلف اجتماعی را با سؤال‌های فراوانی روبه‌رو ساخته و بر قشرهای جوان در کشورهای اسلامی تأثیر ویژه‌ای گذاشته است.

ما اکنون نمی‌خواهیم زمینه‌های پیدایش و عوامل شکل‌گیری این گروه‌ها را بررسی کنیم، نقش قدرتهای بزرگ را در این زمینه توضیح دهیم و یا علل فکری و فرهنگی آن‌ها را بازخوانی نماییم. البته هر یک از این موضوعات نیازمند توجه و دقت نظر و در خور تحقیق و بررسی است. آنچه بیشتر به ما معلمان مربوط می‌شود، آن دسته از مسائلی است که در ذهن دانش‌آموزان نسبت به دین پیدا شده و آنان را بدبین ساخته است. ما معلمان وظیفه داریم این قبیل مسائل را شناسایی کنیم و روش‌های مناسب برای برخورد با آن‌ها را به دست آوریم. و در کلاس به کار ببریم. برخی از این مسائل عبارت‌اند از:

- چرا این قبیل جریان‌ها در دنیای اسلام شکل می‌گیرند و در کشورهای دیگر، از جمله در کشورهای اروپایی، مشاهده نمی‌شوند؟



**روشنگری ما  
معلمان دینی در  
ارائه پاسخ‌های  
صحیح به  
سؤال‌های  
دانش‌آموزان  
در هدایت آنان،  
نقشی بسیار  
اساسی دارد**

در خواهیم یافت که یکی از اهداف اصلی آنان این است که این گروه‌های افراطی و تکفیری را به‌عنوان مسلمانان انقلابی به دنیا و به‌خصوص جهان اسلام معرفی کنند و به این ترتیب، «انقلابی‌های بدلی» و «انقلابی‌نما» را به جای انقلابی‌های حقیقی نشانند و این تصور و توهم را در اذهان پدید آورند که طالبان و القاعده و داعش نمونه‌های واقعی مسلمان انقلابی و مبارزان حقیقی علیه آمریکا و جهان غرب هستند. این توهم و تصور غلط بر جوانان ما تأثیرات منفی فراوانی دارد که یکی از آن‌ها تصور مثبت و دوست داشتنی از آمریکا و متحدان آن است. اثر منفی دیگر، ایجاد نگرش بد نسبت به هرگونه تفکر انقلابی و چهره‌ها و شخصیت‌های انقلابی واقعی در جهان اسلام است، که ابعاد مختلفی دارد و نمی‌توان در این مجال اندک به تبیین ابعاد آن پرداخت.

روشنگری ما معلمان دینی در ارائه پاسخ‌های صحیح به سؤال‌های دانش‌آموزان در هدایت آنان، نقشی بسیار اساسی دارد. امید است که فرصت را غنیمت شماریم و به این مسئله، به موقع و در زمان خودش پردازیم و به نحوی مطلوب از عهده این مسئولیت خطیر برآییم.

● این جریانات چه اندیشه‌هایی دارند که تعدادی از جوانان را، هم در دنیای اسلام و هم در نقاط دیگر، به خود جذب کرده و حامی خود ساخته‌اند؟  
● محورهای فکری این جریانات کدام‌اند؟ این محورها با اسلام حقیقی چه رابطه‌ای دارند؟  
● چرا این گروه‌ها دیگران را مسلمان نمی‌دانند و آن‌ها را تکفیر می‌کنند؟  
● چرا این گروه‌ها آثار اسلامی را - که میراث هزار و چند صد ساله مسلمانان است - نابود می‌کنند؟  
● توحیدی که این‌ها به آن معتقدند چه توحیدی است و شرکی که آن را بد می‌پندارند، کدام است؟  
● چرا این جریان‌ها، به‌خصوص با تشیع، خصومت شدیدتری دارند و به شدت با اندیشه‌های شیعه مقابله می‌کنند؟

این پدیده نوظهور و گسترش ناگهانی و غیرعادی آن و نحوه عملکردش، هم در بعد سیاسی، هم نظامی و هم فکری و اعتقادی، آن قدر حساسیت‌زا است که حتی توجه دانش‌آموزان را به خود جذب می‌کند و برای آنان مسائل ذهنی متعددی پدید می‌آورد که با توجه به عملکرد این گروه‌ها، آنان را نسبت به دین و دین‌داری در عصر حاضر بدبین می‌سازد یا به افراطی‌گری در دین می‌کشاند و یا عقاید آنان را نسبت به تشیع سست می‌نماید.

اگر بتوانیم تصویری همه‌جانبه از نحوه برخورد رسانه‌های جمعی غرب با این پدیده به‌دست آوریم،